

# تبهکاران دیپلمات

امیرفیض- حقوقدان

انگیزه این تحریرمخالفت آمریکا با انتصاب حمید ابوطالبی از سوی حکومت غاصب ایران برای نمایندگی در سازمان ملل متحد است. آمریکا میگوید نظریه اینکه حمید ابوطالبی از افرادی بوده که درگروگان گرفتن کارمندان سفارت آمریکا در ایران دست داشته، صلاحیت داشتن ویزای ورود به آمریکا را ندارند - شخصیت هانی از آمریکا و همچنین برخی از کارمندان گروگان رفته سفارت آمریکا هم گفته اند اجازه ورود به ابوطالبی به آمریکا همانند آن است که واقعه گروگانگیری چندان مهم نبوده است.

\*\*\*

بحث حاضر ایجاب میکند تا موقعیت عمل گروگانگیری در رابطه با حقوق بین الملل و در نهایت برخورد سازمان ملل با نماینده جمهوری اسلامی از یکطرف، و از طرف دیگر موقعیت آمریکا در برخورد با گروگانگیری و در نهایت ویزای ابوطالبی مورد بحث و نقد قرار گیرد.

## نخست سازمان ملل متحد و نمایندگی ابوطالبی

اولین سوال شایسته توجه و جواب این است که آیا برای جمهوری اسلامی ممکن و مقدور نبوده که شخص دیگری بغیر از حمید ابوطالبی که از گروگان گیران کارمندان سفارت آمریکا بوده بنمایدگی خود در سازمان ملل متحد معرفی کند؟ چه انگیزه ای سبب شده که نماینده سابق جمهوری اسلامی عزل و بجای او یک کسی که سابقه گروگانگیری رادارد و خودش هم اذعان کرده، بعنوان نماینده جمهوری اسلامی به سازمان معرفی شود؟

آیا جمهوری اسلامی نمیدانست که یک گروگانگیر که بهرحال تبهکار شناخته میشود نمیتواند نمایندگی کشور دیگری رادرسازمان ملل متحد داشته باشد و اساسا برای اتهام گروگانگیری قبحی قائل نبوده که به این انتصاب مبادرت کرده است؟

نخست وزیر ایتالیا جمله ای دارد که نصب العین کشورهاست، میگوید: <در جامعه سیاسی کسی که زیر سوال قرارگرفت باید کنار گذاشته شود> درحقوق اسلامی هم آمده که <کسی که متهم است امین محسوب نمیشود> در آئین دادرسی همه کشورها متهمین تارفع اتهام منصوب به خدمت نمیشوند.

پاسخ آنقدر ساده نیست که این تحریر بتواند جور آنرا داشته باشد زیرا علی الاصول همانطور که دشواروبل غیرممکن است که انسان، فکرحیوانات رابخواند، بیشتردشواراست که بتواند انگیزه و هدف تصمیمات جمهوری اسلامی وحتی از اظهارات آنها مراتبی رادریافت کند.

علت این است که جمهوری اسلامی نه برپایه منطق و اصول است و نه براساس شرع که بتوان از مراتب ثابت آن، نسبت به اقدامات و تصمیمات جمهوری اسلامی درک مقصود کرد، جمهوری اسلامی براساس مصلحت اداره و تصمیم گیری میشود و مصلحت هم محدوده مشخص قانونی و شرعی ندارد، لذا تلون فطری و طبیعی آن، مانع تشخیص و برداشت از عمل آنان توسط دیگران است.

نمونه این مهم رادرتضاد اعلامات جمهوری اسلامی میتوان دید درهمین موضوع تحریم، خامنه ای براساس تشخیص خودش میگوید: <تحریمات هیچ صدمه ای بما نزده و اساسا مذاکراه با آمریکا برای رفع تحریم ها نیست> ولی مسئولین دولت از فشارتحریم ها مینالند - درهمین موضوع گروگانگیری جیش العدل، رئیس مجلس گفت: <ما با گروگان گیران مذاکراه نمیکنیم> دگرروز هم اعلام کرد <با گروگان گیران در تماس و مذاکراه هستیم> و دادستان بلوچستان هم گفت: <توقعات گروگانگیران زیاد است>.

براستی، بسیار احتیاط بردار است که بتوان انگیزه معرفی یک تبهکار گروگانگیر بعنوان نماینده دائم ایران در جمهوری اسلامی را تشخیص داد بهمین دلیل هیچ تعارفی در قبول آنچه عرض میشود نیست.

## انگیزه اول

ممکن است این برداشت به تجسم و نظرآید که مخالفان شیخ حسن روحانی با فراهم ساختن زمینه، یک دردسر و شکست و رسوائی برای او فراهم کرده باشند چنانکه در مورد سبد یارانه ها این کار شد و شیخ حسن واقعا در اولین حرکتش به رسوائی و نادانی کشیده شد و عذر خواهی کرد. عقب نشینی شیخ حسن از معرفی ابو طالبی یک ضربه بسیار دردناکی برای او و دولتش خواهد شد.

## انگیزه دوم

انگیزه دوم که بیشتر لایق توجه و ممکن است نزدیک به مورد باشد مسئله اعاده حیثیت!! از جمهوری اسلامی و جلوگیری از تضییقات ناشی از موافقتنامه ژنو است.

توضیح اینکه مسئله گروگانگیری کارمندان سفارت آمریکا یک امر داخلی نبود، به سازمان ملل متحد کشیده شد و الدهایم به مناسبت اهمیت موضوع به ایران آمد و شورای امنیت در چهارم دسامبر سال ۱۹۸۱ قطعنامه شماره ۴۵۷ دائر به آزادی گروگان ها آمریکائی را به اتفاق اعضا صادر کرد که جمهوری اسلامی به آنها اعتنائی نکرد.

طبق کنوانسیون های بین المللی هیچ کشوری حق ندارد به سفارتخانه کشوردیگری وارد شود تاچه رسد که آنرا تسخیر و به گروگان گیرد. در واقعه گروگان گیری دقیقا این کنوانسیون بین المللی از جانب جمهوری اسلامی نقض شده بود. جمهوری اسلامی که به عواقب تعرض به کنوانسیون بین المللی واقف بود اعلام و مدعی شد که جمهوری اسلامی در امر گروگان گیری دخالتی نداشته و عمل، منتسب به دانشجویان بوده است.

باهمه تلاشی که جمهوری اسلامی داشت که موضوع گروگانگیری را امری داخلی منتسب به یک عده دانشجو نشان بدهد، موفقیتی نیافت و جریانات بین المللی و نیز عهدنامه الجزایر و حمایت ها و دخالت‌های علنی جمهوری اسلامی، وضعی را بوجود آورد که سازمان ملل و مجامع حقوقی و عموم کشورها جمهوری اسلامی را عامل و آمر گروگانگیری کارمندان سفارت آمریکا شناختند و آنچنان <از پرده برون افتاد راز> که خود جمهوری اسلامی هم دیگر انتساب گروگان گیری کارمندان سفارت آمریکا را به دانشجویان مطرح نکرد و مسئولیت عمل گروگانگیری را پذیرفت و در نتیجه تمامی فساد عمل گروگانگیری متوجه جمهوری اسلامی شد.

وضعیت مزبور سبب شد که جمهوری اسلامی به استراتژی جدیدی متوسل شود و آن استراتژی چنین است که به اعتبار مرور زمان ۳۵ ساله و دیگر جریانات و رویدادها که تا حدودی از آثار فساد گروگانگیری و توجه آن به جمهوری اسلامی از نظر افکار عمومی جهان کاسته خواسته باشد برای خود اعاده حیثیتی دست و پا کند.

جمهوری اسلامی با تعویض نماینده دائم خود در سازمان ملل و معرفی آقای ابوظالبی و قبول احتمالی آن از طرف سازمان ملل، به این نتیجه خواهد رسید که سازمان ملل سرکشی های جمهوری اسلامی نسبت به قطعنامه ۴۵۷ شورای امنیت، ادامه گروگان گیری، نقض کنوانسیون بین المللی حراست از سفارتخانه های کشورهای نا دیده گرفته و به اعتبار گذشت زمان جمهوری اسلامی را از اتهام گروگان گیری مبرا شناخته و یا در مسیر فراموشی و مرور زمان قرار داده است.

چرا که نمیتوان قبول کرد سازمان ملل متحد در عین اینکه جمهوری اسلامی را یک کشور گروگان گیر میدانند نماینده همان کشور را هم که جزء مامورین گروگان گیری بوده بنمایندگی در سازمان ملل بپذیرد مگر اینکه سازمان ملل جمهوری اسلامی را از اتهام گروگانگیری مبرا و یا عفو کرده باشد، که در نتیجه مامور جمهوری اسلامی هم یعنی آقای ابوظالبی هم منتفع تصمیم سازمان ملل در مسیر تصمیم سازمان قرار میگیرد.

### رابطه استراتژی جمهوری اسلامی با موافقتنامه ژنو

از آنجا که موافقتنامه ژنو معطوف به کلیه اختلافات در حد تفکر آمریکائی هاست، مسئله گروگانگیری و حیثیت آمریکا و خسارات وارده به گروگان ها نقطه عطفی است که مسلماً یقه جمهوری اسلامی را خواهد گرفت و این یقه گیری در حقیقت دین بزرگ دولت آمریکا به ملت آمریکا و بل سیاست جهانی است. هامیلتون جو ردن در کتابش نوشته که مردم آمریکا فریاد میکنند که <ما نمیتوانیم این تحقیر گروگان گیری دیپلمات های خود را تحمل کنیم>.

ملت آمریکا همان ملتی است که برای تحقیر به پرچم کشورش در جنگ ویتنام ۵۰ هزار آمریکائی تلفات داد. آمریکائی ها در جریان اجرای موافقتنامه ژنو محال است که بسراغ گروگانگیری جمهوری اسلامی نروند یادمان باشد که قرارداد الجزایر علاوه بر اینکه در مواردی از سوی آمریکائی ها لغوشده است و این خود دلیل وجود اختلافاتی است و عبارت <گفگو برای رفع جمیع اختلافات و آنچه در تفکر آمریکاست> در موافقتنامه ژنو، موضوع گروگانگیری را یکی از مراتب حاد موافقت نامه ژنو خواهد ساخت.

علاوه بر مراتب فوق اساساً قرارداد مزبور درحالت فرث ماژور Force Major و اجباربخاطررهائی گروگانها امضا شده و فاقد اعتبار و مشروعیت است.

جمهوری اسلامی تصور میکند که با تحصیل و جاهت ضمنی!! ازسوی سازمان ملل متحد، بتواند از جامعه جهانی و مرور زمان استمداد بگیرد و یا از فشار آمریکائی ها در مورد گروگانگیری کارمندان سفارت بکاهد.

بدیهی است در صورتی که جمهوری اسلامی موفق نشود که استراتژی جدید خود یعنی قبولاندن ابوطالبی بعنوان نماینده دائم خود به سازمان ملل متحد را اعمال کند، رد ابوطالبی، زمینه بسیار مساعدی برای آمریکا در اجرای موافقتنامه ژنو و تحمیل خواستههایش خواهد شد و این حداقل چیزی است که ممکن است پاسخ انتظارات مردم آمریکا را از دولت خود در رابطه با مسئله گروگان گیری داشته باشند.

### شهود مقصود

\* آقای ویلیام باکلی کالمیت، نظریه پرداز حزب محافظه کاران و حزب جمهوریخواه آمریکا که روسای جمهوری آمریکا ریگان و بوش خود را پیرو نظریه او میدانند در واشنگتن پست نوشت «آمریکا نباید تاروی که گروگان گیران سفارت را زنده و یامرده تحویل نگرفته اند آرام نشیند»

\* جانسون روزنامه نگار معروف در واشنگتن پست نوشت «آمریکا باید باتوسل به همه امکانات، گروگانگیران را مجازات کند».

\* نیویورک تایمز نوشت «اگر دولت ایران دیپلمات های آمریکائی را گروگان نمیگرفت چیزی بنام گروگان گیری اصلاً وجود نمیداشت».

\* روزنامه دیولت آلمان نوشت «گروگان گیران سفارت میدانند که جنایات آنان بی کیفر نخواهد ماند و مجبورند باقیمانده عمر خود را در مخفیگاه ها و پانام های جعلی در ترس و وحشت بگذرانند و یقین دارند که دست مکافات یقیه آنان را خواهد گرفت و در هیچ نقطه از جهان جای امنی برایشان نخواهد بود»

\* سازمان اف – بی – ای (مرکز تحقیقات پلیسی و جنائی دولت فدرال آمریکا) اعلام نمود که دولت آمریکا اقدامات وسیعی را برای تعقیب و دستگیری عاملین گروگان گیری را آغاز کرده و این کار به حکم قانون ادامه خواهد داشت.

\* متعاقب همین خبرها بود که جسد ۶ لبنانی گروگان گیر در تپه های لبنان پیدا شد و کیهان لندن نوشت «مقامات جمهوری اسلامی سخت متوحش شده اند چرا که دادگاه فدرال آمریکا به تازگی قانونی وضع کرده و بدولت آمریکا اجازه داده که کسانی را که علیه اتباع آمریکا جرمی مرتکب میشوند ر بده و به آمریکا برای محاکمه بیاورند» (کیهان لندن شماره ۴۱۲)

\* علی اکبر محتشمی در مصاحبه ای با مجله (الشروق امارات عربی) تائید کرد که آمریکائی ها یک لیست ۵۰۰ نفره از گروگانگیران ایرانی تهیه کرده و جمهوری اسلامی را هم در جریان گذاشته اند و ممکن است این افراد دستگیر شوند، او گفت در لیست مزبور نامهای موسوی خوینینها – حسین شیخ الاسلام – علی اکبر محتشمی – صادق خلخالی و گروهی از فرماندهان سپاه دیده میشوند.

**(کیهان لندن شماره ۴۱۲)**

\* آقاجری احد ازدانشجویان خط امام که درگروگان گیری کارمندان سفارت نقش آشکاری داشته دراجلاس میزگرد برای گفتگو درباره استکبارجهانی درآبان ماه سال ۱۳۷۰ گفت >آمریکائی ها ممکن است به بهانه کنترل سلاحهای هسته ای بسراغ ما بیایند (کیهان لندن ۳۸۰)

قسمت دوم – آمریکا وانتصاب ابوظالبی درسازمان ملل متحد

موکول به تحریر بعد